Archive of SID

فصلنامهٔ علمی کاوش‌نامه
سال بیست و یکم، تابستان ۱۳۹۹، شمارهٔ ٤٥
صفحات ٢١٤-١٨٩

ضرورت تصحیح مجدّد دیوان اثیرالدین اومانی*

(مقالهٔ پژوهشی)

دکتر محمّدرضا پاشایی [١]
استادیار گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران
دکتر هادی دهقانی یزدلی
استادیار گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران
حجّت کجانی حصاری
دانش‌آموختهٔ دکتری زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه خوارزمی

چکیده:

اثیرالدین اومانی از شاعران قرن ششم وهفتم هجری است. تنها اثر برجای مانده از وی، دیوان اوست که شامل قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات و ترکیب‌بندها می‌شود. در شعر این شاعر پیوندی میان سبک‌های خراسانی و عراقی دیده می‌شود و به‌دلیل شمول آن بر الفاظ، اصطلاحات، کنایات و تعبیرات رایج عهد شاعر و نیز وجود اشارات تاریخی و ادبی فراوان، دقّت بیشتر در نقل دیوان مذکور، ضروری به نظر می‌رسید. تصحیح دیوان اثیرالدین اومانی در سال ۱۳۹۰ از سوی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی منتشرگردیده است و پژوهش حاضر بر اساس روش التقاطی، به بررسی و نقد اشکالات و سهوهای تصحیح نسخهٔ مزبور می‌پردازد.

با بررسی و تحلیل متن فوق برمبنای رویکرد التقاطی، اشکالات و لغزش‌هایی در آن متن، آشکار می‌شود که بدین قرارند: عنوان ناقص دیوان چاپی، ترجیحات نادرست در نسخه‌بدل‌ها، اغلاط نگارشی و املایی و رسم‌الخطّی، لغزش در ارجاع‌ها، اشتباهات علمی و لغزش‌هایی در فهرست منابع. از آنجا که هر نسخهٔ خطی در حکم گنجینهٔ ارزشمند فرهنگی و ادبی محسوب می‌شود بایسته است که برای حفظ اصالت این دیوان نیز اشکالات واردشده در تصحیح متن آن برطرف گردد.

واژگان کلیدی: نسخهٔ خطی، نقد و بررسی، تصحیح متون، دیوان اثیرالدین اومانی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۵/۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵

١ - نشانی پست الکترونیکی نویسندهٔ مسئول: pashaei.reza@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

۱. مقدّمه

هر یک از آثار مکتوب بازمانده از پیشینیان در حکم حلقه‌ای از زنجیرهٔ تمدّن و فرهنگ این مرز وبوم است. بازخوانی دقیق و احیای این میراث مکتوب اگر برمبنای اصول و موازین نقدوتصحیح علمی استوار انجام گیرد، می‌تواند گامی مؤثّر در تکمیل این زنجیرهٔ علمی و شناخت صحیح‌تر فرایند تحول زبان و ادب فارسی باشد. برای رسیدن به این هدف، متون تصحیح شده باید قابل اعتماد باشند تا محقّقین بتوانند بر اساس آن، در پژوهش‌های خود، به این منابع تکیه کنند. این ضرورت، بخصوص درحوزهٔ زبان و ادبیّات فارسی، بیشتر آشکار می‌شود؛ زیرا هریک از این متون، گوشه‌ای از ساختار و تاریخ تطوّر زبان و ادبیات فارسی را نشان می‌دهند.

چنانکه اشاره شد، این پژوهش بر اساس رویکرد التقاطی، به بررسی دیوان اثیر می‌پردازد. رویکرد التقاطی شیوه‌ای است که در آن «نسخهٔ مضبوط و معتبر از اثر مورد نظر به دست نیاید و نسخ موجود هیچ یک صحّت و اصالت لازم برای مبنای کار قرارگرفتن نداشته باشد. در این شیوه، ذوق و دریافتی دخالت می‌کند که بر اثر ممارست در متن پژوهی و آموزش‌های گوناگون، تربیت شده است»(جهانبخش، ١٣٨٤: ٣٠). این نوشتار با این شیوه، به بررسی و توصیف کاستی‌ها و قوّت‌های تصحیح نسخهٔ موجود «دیوان اثیر اومانی» می‌پردازد. تصحیح یادشده به کوشش امید سروری و عباس بگ‌جانی چاپ و منتشر شده‌است.

۱-۱. مرور مختصری بر احوال و شعر اثیرالدین اومانی

اثیرالدین اومانی، از شاعران قرن ششم و هفتم هجری، از اهالی اومان (اویمان) همدان است که در روزگار خود، به القابی چون «امیرالکلام»، «افضل‌الشّعرا»، «ملک‌الشّعرا»(جاجرمی، ١٣٥٠: ٦٧٦، ٣٦٤ و ٧٠٧) و «گنجور معانی»(دولتشاه، ١٣٨٢: ١٧٢) نامبردار بوده است. این شاعر از آغاز شاعری، به مدح امیران کوچک و بزرگ محلّی از جمله «علاءالدوله‌ها»، «پرچمیان» و گاه به مدح «خلیفه» و یا بزرگان درباری

www.SID.ir

Archive of SID

«خوارزمشاهیان» می‌پردازد. در روزگاری که با دگرگونی و تغییر سبک خراسانی به عراقی و شکل‌گیری مکتب آذربایجان هم‌زمان است، او همچنان اشعار خود را به شیوهٔ سبک خراسانی می‌سراید و به نظر می‌آید همین سبک سرایش که در آغاز شکل‌گیری مکتب دیگری از سوی شاعر انتخاب می‌گردد، علّت گمنامی‌اش باشد[۱]. با این حال، وی گاه از حمایت‌های حاکمان و وزرا برخورداراست و گاه با بی‌مهری آنان روبرو می‌شود و زبان به هجو و شِکوه از آنان می‌گشاید؛ یک‌بار نیز طعم تلخ زندان را به دلیل حسد حاسدان می‌چشد که زمینهٔ سرودن حبسیه‌ای می‌گردد. شاعر همچنین در یک غزل و یک رباعی به مرگ فرزند خود اشاره کرده است[۲].

کمال‌الدّین اسماعیل (م ٦٣٥ق) و رفیع‌الدین لنبانی[۳] (م ٦٣٩ ق) از شاعران هم‌دورهٔ اثیر بوده‌اند و از اثیرالدین قطعه‌ای دربارهٔ روابط دوستانه با کمال[٤] و قطعه‌ای دیگر در باب سوگ او[٥] باقی مانده است. از اثیرالدین در پایان عمرش (٦٥٥ یا ٦٦٥ هجری) دیوانی مشتمل بر ٤٠٠٠ بیت شامل قصیده، غزل، قطعه، ترکیب‌بند و رباعی باقی مانده است که ویژگی‌های سبکی خاص خود را دارد.

دیوان اثیرالدّین اومانی از جمله آثاری است که با وجود قرار گرفتن در میانهٔ دو سبک خراسانی و عراقی و هم‌زمانی با مکتب آذربایجان، چندان در معرض بررسی و تحقیق جدی سبک‌شناسی قرار نگرفته است؛ در عین حال، مؤلّف تاریخ ادبیّات در ایران، درباره سبک او می‌نویسد: «وی در شعر بیشتر متمایل به سبک انوری است و با آن‌که علوّ طبع و قدرت بیان و فصاحت گفتار انوری در او نیست، اما چون سادگی بر طبع او چیره است، اشعار او سهل‌تر و سلیس‌تر و شیرین‌تر به نظر می‌آید و چون عدم مبالغهٔ او را در ایراد اصطلاحات و معانی علمی و لغات غریب عربی با سادگی بیان و مختصّاتی از زبان و شعر فارسی در پایان قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم جمع کنیم، سبک او از سبک سخن انوری متمایز می‌شود» (صفا، ۱۳۷۸، ج ۳: ٤٠٢).

www.SID.ir

Archive of SID

۲-۱. پیشینهٔ پژوهش

تاکنون آثار اندکی دربارهٔ اثیرالدّین اومانی نوشته شده است. احمدرضا یلمه‌ها در مقالهٔ «گمنامی بنام در تاریخ ادب فارسی» (۱۳۹۱) به بررسی زندگی و احوال اثیرالدین اومانی پرداخته است. وی در این پژوهش به کندوکاو و اثبات شهرت وعنوان واقعی شاعر یادشده نیز توجه گردد. محمدرضا پاشایی در مقالهٔ «زندگینامهٔ اثیرالدین اومانی» (۱۳۹۲) نخست، زندگی اثیرالدّین اومانی را بررسی می‌کند و سپس، سبک شعری وی را تشریح و تبیین می‌کند. پاشایی در مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی ویژگی‌های سبک اثیرالدّین اومانی» (۱۳۹۲)، سبک شعری اثیرالدّین را بتفصیل، بررسی کرده است و مشخصات سبک خراسانی را در زبان و اندیشهٔ شعری شاعر تبیین و آشکار می‌نماید.

امید سروری و عباس بگ‌جانی، در «دیوان اثیر اومانی» (۱۳۹۰)، چاپ کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، ضمن تصحیح دیوان اثیر، در مقدّمهٔ تصحیح خود، مفصّلاً دربارهٔ زندگی، اوضاع تاریخی روزگار و ویژگی‌های شعری شاعر بحث کرده‌اند. در این مقدمه آمده است: «برای ارائه متنی کامل، معتبر و نزدیک به سروده‌های اثیر در لفظ و صورت واژه‌ها و نیز در مفهوم و معنا، ابتدا تمامی نسخی که دیوان اثیر را در برداشتند شناسایی و تصاویر آن‌ها تهیه شد. پس از بررسی این نسخ، مشخص شد که هیچ‌کدام قدمت تاریخی نداشته و بیشتر آن‌ها متأخّرند و سرنوشت اختلافات و ضبط‌های بسیاری نامعلوم است. از این رو، برای رسیدن به مقصود، شیوهٔ التقاطی برگزیده شد- شیوه‌ای با مطالعه و مقابله دقیق همه نسخ و بررسی ضبط‌های موجود برای بهترین انتخاب» (همان: ۱۱۸).

با وجود تلاش فراوان این دو مصحح در تصحیح و توضیح دیوان نامبرده، اشکالات فراوانی در زمینه‌های املایی و نگارشی، لغزش‌هایی در ارجاعات، اشکالات علمی، ضبط نسخه‌های نامعتبر و امثال آن در این اثر رخ داده که زمینهٔ شکل‌گیری مقالهٔ حاضر را پدید آورده است. در عین حال، تاکنون هیچ نقدی بر تصیح این دیوان انجام نشده و پژوهش حاضر در نوع خود، نخستین‌بار است که به این موضوع می‌پردازد.

www.SID.ir

Archive of SID

۳-۱. روش پژوهش

مقالهٔ حاضر با مقایسه و مقابلهٔ نسخ خطی مورد استفادهٔ مصحّحان و ضبط نهایی آن‌ها در متن چاپی، نکات به دست‌آمده را تقسیم‌بندی و ارائه کرده‌است و ساختار کلّی نسخهٔ چاپی مجلس شورای اسلامی، روش تصحیح و توضیحات مقدّمه را نقد کرده است، سپس، با توجه به این‌که مصحّحان محترم در دیوان اثیر از روش التقاطی برای تصحیح متن استفاده کرده‌اند، در بسیاری از موارد به حاشیهٔ دیوان رجوع شده‌است و هرجا که معنی بیت باتوجه به صورت موجود، نامناسب بوده، با مراجعه به نسخه بدل‌ها، کلمات یا عبارات مناسب‌تر را جایگزین کرده و نسخهٔ چاپ‌شده به نقد کشیده شده است.

۱-٤. معرفی نسخه‌های خطی

دیوان اثیراومانی دارای چند نسخه خطی است که در زمان‌های مختلف و با سبک و سیاق نسّاخان، نسخه‌برداری شده است. نسخه‌های موجود و در دسترس، خوشبختانه، در دو کتابخانهٔ مجزّا نگهداری می‌شود که در ادامهٔ بحث به معرفی اجمالی آن پرداخته می‌شود.

۱-٤-۱. نسخه‌های خطی موجود در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

الف. نسخهٔ «خ» تذکرهٔ خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار

این نسخه به خط مؤلّف، میرتقی‌الدین کاشی است که در تاریخ (۹۹۹ق.) کتابت گردیده است و به شماره «١٦٧٨٦» درکتابخانهٔ مجلس نگهداری می‌شود. کاشی مطالب را در ٢٦ برگ و در چهار ستون ۲۹سطری کتابت کرده و برای تعداد معدودی از اشعار، عنوانی انتخاب نموده‌است. گزینش وی دربردارندهٔ ۲۸۰۰بیت از اشعار اومانی در قالب‌های قصیده، غزل، ترجیع‌بند، قطعه و رباعی و کهن‌ترین و معتبرترین نسخهٔ موجود دیوان اثیرالدّین اومانی است (اثیر اومانی، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۱۰۱).

www.SID.ir

Archive of SID

ب. نسخهٔ «ل» مجموعهٔ دیوان‌ها

نسخهٔ مزبور شامل دیوان‌های ازرقی هروی، حسن غزنوی، اثیرالدّین اومانی، مختاری غزنوی، امیرمعزّی و... است که به شمارهٔ «۷۸۸٦» در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی نگهدای می‌شود[٦]. این نسخه به خط نستعلیق، در ۳۷۱ برگ احتمالاً در (قرن ۱۱ ق.) نوشته شده است و حدود ۳۰۰۰ بیت از قصاید، غزلیات، ترجیعات، قطعات و رباعیات اثیر را نیز در بردارد. ضبط‌های غلط این نسخه حکایت از بی‌دقّتی و اهمال کاتب دارد (اومانی،۱۰۳:۱۳۹۰-۱۰٤).

پ. نسخهٔ «ج» دیوان اثیرالدین

نسخهٔ یادشده به شمارهٔ «۲۳۷۳» محفوظ در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی و در سال (۱۲۸۵ق) بر روی ۱٤٤برگ ۱۲سطری به خط شکسته‌نستعلیق خوش کتابت شده است. کاتب در این متن، شرح حالی از اثیرالدّین را به نقل از هفت‌اقلیم نقل می‌کند. متن نسخه حدود ۱۷۲۰بیت از اشعار اومانی را با عناوین قرمز در برگرفته است.

این نسخه توسط فردی غیر از کاتب با نسخهٔ دیگری مقابله شده و اختلافات در هامش و بالای کلمات آمده است که تاحدودی مفید به نظر می‌رسد؛ علاوه‌بر آن بسیاری از اشعار عنوان‌بندی شده‌اند- هرچند ضبط‌های آن چندان درست به نظر نمی‌آید و غلط‌هایی دارد.

۱-٤-۲. نسخه‌های موجود در کتابخانه دانشگاه تهران

الف. نسخهٔ «ب» مجموعهٔدیوان‌ها

نسخهٔ «ب» مجموعه‌ای از اشعاراثیرالدّین اومانی، ادیب صابر، شرف شفروه و رفیع لنبانی است که اصل آن به شماره «or.2846» در کتابخانه موزهٔ بریتانیا محفوظ و فیلم آن به شمارهٔ «۱۵۰۱» در دانشگاه تهران موجود است[۷]. این نسخه در سال (۱۰۱۹ ق) به خط نستعلیق توسّط روحی رستمداری کتابت شده است و حدود ۳۰۰۰ بیت از دیوان اثیرالدّین اومانی را در بردارد. صفحاتی پایانی این نسخه موجود نیست و در نتیجه

www.SID.ir

Archive of SID

بخش‌هایی از قطعات و رباعیات را ندارد. این نسخه از بهترین و کهن‌ترین نسخ باقی‌ماندهٔ دیوان اثیرالدّین است.

ب. نسخهٔ «ت» مجموعهٔ اشعار

ترکیبی از اشعار دیوان‌های اثیرالدّین اومانی، مجیربیلقانی، ظهیرفاریابی، کمال‌الدین اسماعیل و ادیب صابر به شمارهٔ «۱۸۸۳» و محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران است. این نسخه به دست کاتبی نامشخص به خط نستعلیق در سدهٔ دهم قمری و در ۱۲۱ برگ ۲۱ سطری نوشته شده‌است؛ همچنین شامل ۲۳۰۰ بیت از قصاید، غزلیات، ترجیعات، مقطعات و رباعیات اثیرالدّین است و بیشتر آن‌ها عنوان‌بندی گردیده‌اند[۸]. این نسخه نیز به لحاظ قدمت و ضبط‌های صحیح و داشتن عناوین نسبتاً مناسب، از اعتبار خوبی برخوردار است (اومانی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

۳-٤-۱. نسخه‌های موجود در کتابخانهٔ ملی ایران

الف. نسخهٔ «م» مجموعهٔ دو دیوان از شاعران

تنها نسخهٔ موجود در کتابخانهٔ ملّی است که دیوان اثیرالدین اخسیکتی و اثیرالدّین اومانی را شامل می‌گردد و به شماره «۲٤۰۱» در آن کتابخانه نگهداری می‌گردد[۹]. این نسخه به خط نستعلیق به دست ابن شیخ احمد بنی‌اسراییل (۱۰۲۰ق)، بر روی کاغذ بخارایی، در ۲۳۹برگ ۲۱سطری، با در نظر داشتن ترتیب قوافی کتابت شده است. نسخهٔ مزبور حدود ۳۸۰۰ بیت از اشعار اومانی را بدون عنوان در بر می‌گیرد(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

۲. بحث و بررسی

۲-۱. نقد کلّی دیوان، مقدمه، تعلیقات و خطاهای انتسابی

مقدمهٔ هر اثر دریچه‌ای برای شناخت کلّی یک متن است. مقدّمه می‌تواند، آغازی برای شناخت کلی یک اثر باشد تا خوانندهٔ متن با افقی گشوده‌تر برای فهم بهتر متن از مقدّمه بهره ببرد. مقدّمهٔ کتاب‌هایی که به تصحیح نسخه‌های خطّی می‌پردازند از این قاعده

www.SID.ir

Archive of SID

مستثنی نیست. مقدّمهٔ دیوان اثیرالـدّین اومـانی از صـفحه ۱۸ تـا ۱۲۰ و تعلیقـات آن از صفحه ٦۰۷ شروع می‌شود و در صفحه ۸۳۸ کتاب پایان می‌یابد.

۲-۱-۱. سهو در عنوان انتسابی شاعر

کمال‌الدّین اسماعیل در دیوانش کـه کهن‌تـرین منبـع معرفـی اثیرالـدّین اومـانی اسـت، قطعه‌ای در جواب اثیر سروده است که در آن از وی با لقب «اثیر دیـن» یـادکرده اسـت (کمال‌الدّین اسماعیل، ۱۳٤۸: ۳۹۱). مصحّحان نیز به همین لقب در صفحه ۱۹ مقدّمـه و نیـز در صـفحات٤۰، ٤۷، ۱۰۳، ۱۰٤، ۱۰٥، ۱۰٦، ۱۰۷اشـاره کرده‌انـد، درحالی‌کـه روی جلد دیوان چاپی، سهواً عنوان «دیوان اثیر اومانی» طبع شده است، درحالی‌که با توجه به اشارهٔ کمال‌الدّین به این شاعر، عنوان «اثیرالدّین اومانی» صحیح است.

۲-۱-۲.اشکالات نگارشی و املایی

با مطالعهٔ کل دیوان، فقط ۸ مورد اشاره به تخلص «اثیر» به چشم می‌خورد درحالی‌که در سطر آخر صفحه ۱۹ تخلص «اثیر» ۹ مرتبه ذکر شده اسـت و ایـن در حـالی اسـت کـه مصحّحان نیز در پاورقی شماره ٤ فقط به ۸ مورد از آن تخلّص اشاره کرده‌اند:

ای ز خرج کفت، **مجاهزکان** کـــرده بـــا آفتـــاب انبـــازی

(اومانی، ۱۳۹۰: ٦۰۷)

این بیت از انوری است و در تعلیقات قصاید اثیرالدّین ذکر شده؛ امـا بـه‌اشـتباه، در همان تعلیقات میان حروف واژهٔ «مجاهزکان» فاصله افتاده است.

گوش از پهلوی خود قوت خور و جان می‌کن چون من وشمع هر آن‌کس که به امیّد سخاست

(همان: ۱۷۱)

در بیت فوق با ضبط واژهٔ «گوش» معنا و مفهوم بیت درست نمی‌نماید؛ بلکه ضـبط «کوش» درست‌تر است؛ یعنی«کوش (= تلاش کن) از پهلوی خود قـوت خـور و جـان می‌کن».

www.SID.ir

Archive of SID

ز شوق حالتشان چرخ خرقه خرق کند وگرچه **خرق** در اشکال چرخ دور از راست
(همان: ۱۷۷)

در پاورقی صفحهٔ ۱۷۷برای واژهٔ «خرق» پی‌نوشتی آمده است که به ذکر نسخه بدل‌ها می‌پردازد و مصحّحان دیوان در آن می‌نویسند؛ «خ»: آرزوی کشف غطاست؛ «ل» و«ت»: روی سوی کشف عطاست (همان)؛ درحالی که توضیحات نسخه‌بدل‌ها هیچ ارتباطی به این بیت و واژهٔ «خرق» ندارد؛ بلکه مربوط به دو بیت قبل از آن[۱۰] است. علاوه بر این شمارهٔ پی‌نوشت بر واژهٔ «راست» قرار گرفته است؛ در حالی که این شمارهٔ پی‌نوشت باید بر واژهٔ «خرق» ثبت می‌شد.

۲-۱-۳. لغزش در ارجاعات درون متنی

بیشتر ارجاعات درون‌متنی این تصحیح، با یکی دو صفحه پس یا پیش از بخش‌های مربوط به ارجاعات نوشته شده‌اند. در پاورقی صفحه ۱۹، شماره‌صفحاتی آمده است که تخلّص شاعر در آن‌ها می‌آید و برخی از شماره‌صفحات یاد شده اشتباه است و در پاورقی شمارهٔ٤ آمده است. مصحّحان متن برای اشاره به تخلّص شاعر در صفحات مختلف، می‌نویسند؛ «رک. دیوان، صص ۱۹۹، ۲٤۷، ۳۰۰، ٤۰٦، ٤۲۱، ٤۳٤، ٤٥۷، ٥۷۹» (همان: ۱۹). در صورتی‌که صفحات٤۰٤ صحیح و ٤۰٦ غلط، ٤۱۹صحیح و ٤۲۱ غلط، ٤۳۲ صحیح و ٤۳٤ غلط، ٤٥٥ صحیح و ٤٥۷ غلط است.

در پاورقی شمارهٔ ٥ صفحه ۳٦ به بزرگداشت خلیفهٔ اوّل و دوم توسط اثیرالدّین در پاورقی ٥ صفحه ۳٦ اشاره شده است؛ ولی مصحّحان دربارهٔ این موضوع به اشتباه به صفحهٔ ٤۱٦ ارجاع داده‌اند؛ حال آن‌که صفحه ٤۱٤ صحیح است.

در سطر دوم صفحهٔ ٥۱ آمده است که اثیر در قصیده‌ای، شعرشناسی و قدرت نقد شعر سلیمان‌شاه را ستوده است و در پایان جمله، در پاورقی به صفحهٔ ۳۳۰ دیوان ارجاع داده شده است؛ امّا چنین ارجاعی در متن تصحیح‌شده، موجود نیست.

www.SID.ir

Archive of SID

در مقدّمهٔ دیوان در مورد زادگاه اثیر، مصحّحان به منطقهٔ «اومـان» اشـاره می‌کننـد و می‌نویسند «اثیر نشان می‌دهد این روستا به مقرّ حکومت سلیمان‌شاه بسیار نزدیک بـوده و باحتمال قوی، جزو قلمرو وی و کردستان قدیم بوده است» (همان:۲۰) و در پـاورقی ۵ به صفحه ۳۱۷ ارجاع داده می‌شود. باز، در صفحهٔ مذکور چنین اشاره‌ای وجود ندارد، بلکه مطلب به‌صورت مبهم در صفحه ۳۱٦ آمده است.

در مقدّمه دیوان اثیرالدّین در مورد مذهب او نوشته‌اند که احتمالاً پیرو مـذهب اهـل جماعت‌وسنّت بوده و در پاورقی شماره ۵ به اشتباه بـه ص ٤١٦ ارجـاع داده شـده کـه چنین ارجاعی[11] مربوط به ص ٤١٤ است (اثیرالدّین اومانی، ۱۳۹۰: ۳٦).

در مقدّمهٔ صفحه ٤٨ ذکر شده است که اثیرالـدّین، سلیمانشـاه را در ضـمن مدیحـهٔ خویش، «ملک ایوه» خطاب نموده و در پاورقی به شماره صفحاتی ارجاع داده شده کـه برخی نادرسـت اسـت؛ از جملـه: صـص ١٦٧، ۲۵۷ (۲۵٦ صـحیح اسـت)، ۲۷٦ (۲۷۵ صحیح است)، ۳۵۷،۵٦٦، ۵۸۵ (همان: ٤٨).

۲-۱-٤. لغزش های علمی

در مقدّمهٔ این کتاب مصحّحان پیرامون تأثیرپذیری اثیرالدّین اومانی از شاعران پیشین، به بیتی از عبدالواسع جبلی اشاره می‌کنند و سپس به تأثیرپذیری اثیر به بیتی اشاره می‌کنند، حال آن‌که هیچ ارتباطی بین این دو بیت وجود ندارد.

اگـر ببـارم خونابـه و بـرآرم آه بر این مصیبت ناکام و وقعت ناگاه

عبدالواسع:

چه اوفتاد ندیدی زمانه را ناگاه ز شور طالع مَیشوم و اختر گمراه

(همان: ٩٤ – ٩۵)

جمال‌الدین:

ای زده لبّیک شوق از غایت صدق و صفا بسته احرام وفا در عالم خوف و رجا

اثیرالدین:

www.SID.ir

Archive of SID

ای‌چو خور فرخنده‌مقدم ای چو مه میمون‌لقا خرم و شاد آمدی اهلاً و سهلاً مرحبا
(همان: ۹۵)

جمال‌الدین:

ایـن همـه لاف مزن گرچه تو را سیم و زر است کـه زر و سیـم برِ اهل خرد مختصر است

اثیرالدین:

خیز و بزم طرب افروز که وقت سحر است افق مشرقی از عارض گل تازه‌تر است
(همان: ۹۵)

خاقانی:

صبحـدم چـون کلّـه بنـدد آه دودآســای من چـون شفق در خون نشیند چشم شب‌پیمای من

اثیرالدین:

ای ز بدو حال بوده لطف تو غمخوار من وی همیشه خاک درگاه تو استظهار من
(همان:۹۵)

مصحّحان در مقدّمه، پیرامون اثرگذاری اثیرالدّین اومانی برشاعران پـس از خـود بـه بیت‌هایی اشاره کرده‌اند که برخی از آن‌هانشان هیچ‌گونه تاثیری خاص بر شـاعران پـس از او نیست و صرفاً تکرار یک واژه یا ترکیب است. کاربرد این گونه واژه‌ها نـه بـر اثـر تاثیر سبکی و فکری و خیالی شاعران بر یکدیگر، بلکه نشان از یـک سـنّت یـا الگـوی فکری و خیالی عام است که در دوره‌های گوناگون از سوی شـاعران دسـت بـه دسـت می‌شده است؛

اثیرالدین:

خیـز و بـزم طـرب افـروز کـه وقت سحر است افـق مشرقـی از عــارض گـل تازه‌تـر اسـت

سلمان ساوجی:

ای که روی تو به صدبار ز گل تازه‌تر است از حیایت به عرق روی گل تازه، تر است
(همان: ۹۷)

www.SID.ir

Archive of SID

مصحّحان در بخش قصاید، تصویر «مضاحک بـرق» را اضـافه تشـبیهی دانسـته‌اند؛ درحالی‌که ترکیب یادشده اضافهٔ استعاری است (اومانی، ۱۳۹۰: ٦۰۸).

اگر چه ابر نمی‌خندد از مضاحک برق ولـی ز قهقهـه، گـل بـاز مـی‌فتـد بـه قفـا

(همان: ۱٤۳)

از صفحه ۳۹۷ تا ٤۰۱ تصحیح، قطعه‌ای ۳٤ بیتی با عنوان «و له فی المدح و یصـف فیه القلم» بر اساس نسخه بدل «ت» آمده است. شاعر در این قطعـه تنهـا در چنـد بیـت اندک به توصیف کلک می‌پردازد و بر اساس آن چند بیت اندک انتخاب عنـوان «یصـف فیه القلم» چندان درست به نظر نمی‌آید؛

کلک دیدم در کفت گفتم مگر طوطی است، لیک بـازگفتم جـای طـوطی طـرف دریابـار نیسـت

نسبت کلکت به طوطی می‌نشاید کرد از آن کاو شکر خوار است چون کلکت شکرگفتار نیست...

(اومانی، ۱۳۹۰: ۳۹۷-٤۰۱)

۲-۱-۵. لغزش در ارجاعات پایانی

ارجاعات بجا و صحیح، اساس و بنیان یک پژوهش است. از سوی دیگر تصحیح متـون از جمله پژوهش‌های پرزحمـت و تاثیرگـذار اسـت کـه بایـد در روش ارجـاع‌دهی بـه وسواس و دقّت تمام در آن کوشید؛ چرا که مایه تحقیق، یک اثر فرهنگـی و متعلّـق بـه میراث گذشتگان است.

در صفحه ٦۳۰ دیوان تصحیح‌شده، بیتی از «مختاری»، شاعر قرن ششم ذکرشده، در حالی که در فهرست منابع اشاره‌ای به منبع آن نشده است؛

این شعر گواه بس بدین معنی از حکـــم شـــریعتی و دیـــوانی

(مختاری، : ۵۱۸)

کتاب «خلاصة الاشـعار و زبـدة الافکـار مفصّـل‌ترین تـذکره زبـان فارسـی، نوشـتهٔ تقی‌الدّین محمد بن شرف‌الدّین علی حسینی کاشانی، از نویسندگان دورهٔ صفویّه» است (تقی‌الدین کاشی، ۱۳۸٦: ۲۲). این اثر در شرح احوال شاعران متقـدّم، متـأخّر و معاصـر نویسنده است نگارش آن بیش از چهل‌سال طول کشـید و پـس از اتمـام کـار در سـال

www.SID.ir

Archive of SID

۱۰۱٦ق به شاه طهماسب اول (حک ۹۹٦– ۱۰۳۸ق) تقدیم کرد. (گلچین معانی، ۱۳٦۳: ٥٤۰). درپاورقی مقدمه به «خلاصه‌الاشعار» ارجاع داده شده، در حالی‌که در فهرست منابع، این کتاب معرفی نشده است (اومانی، ۱۳۹۰: ۲۱، ۲٦،۳۱، ۳٤، ۳۷، ۳۹).

در پاورقی صفحهٔ ٥۰ به کتاب «حبیب‌السّیر» اشاره می‌شود؛ همچنین در پاورقی صفحهٔ ٤۷ به دیوان «نجیب‌الدّین گلپایگانی»؛ در پاورقی صفحه ٥۱ به کتاب «روضة النّاظر»؛ در پاورقی صفحهٔ ٥٤ به جنگ «شاه شجاع» و جنگ «اسکندرمیرزا» و در پاورقی صفحهٔ ٦۰ به کتاب «تاریخ جلالی» اشاره شده که در فهرست منابع به معرفی دقیق آثار مربوط به آن پرداخته نشده است.

در بخش پاورقی صفحهٔ ٤۰۲، عدد «۳» دوبار به‌عنوان شماره پاورقی تکرار می‌شود؛ بنابراین تمام ارجاعات این صفحه (۱۲ ارجاع) همگی اشتباه ثبت شده‌اند.

تنم که یافته بُد مالش جهان چون موم　　چو دید پرتو خورشید، ناگهان بگداخت

(اومانی، ۱۳۹۰: ۱٦۳)

در بیت بالا مصحّحان محترم بر روی واژهٔ «ناگهان» شمارهٔ پاورقی ضبط کرده‌اند و در توضیح آن نوشته‌اند؛ که این بیت در نسخهٔ «ج» موجود نیست (همان). منظور ایشان از درج پاورقی و توضیح مربوط، در ارتباط با کل بیت است و در این حالت، شماره پاورقی اصولاً باید بر روی آخرین واژه بیت قرار گیرد نه بر واژگان میانی مصراع یا بیت.

خاک ببوسد خور و آن‌گه کند　　سدّهٔ درگاه ورا استلام

(همان: ۲۷۷)

بیت فوق نیز دارای ایراد پیش‌گفته است. مصحّحان بر واژهٔ «سدّه» پاورقی ثبت کرده‌اند و توضیحی را نه برای یک واژه بلکه برای کل بیت آورده‌اند و نوشته‌اند که این بیت در نسخهٔ «خ» وجود ندارد، با این وصف شمارهٔ پاورقی باید در پایان بیت ثبت شود.

کنون چو جوهر فردم زمان تنهایی‌ست　　که از مفرّق قسمت، ره امان دیدم

(اثیرالدین اومانی، ۱۳۹۰: ۲۹۱)

www.SID.ir

Archive of SID

مصحّحان در بیت بالا و در صفحهٔ۲۹۱ در ارتباط با ترکیب «قسمت ره» در پاورقی به عبارت «قسمت ده این» ارجاع داده‌اند؛ در حالی که منبع آن یعنی نسخه بدل‌های مربوط به ترکیب «قسمت این ده» معرفی نشده است.

گر چه از دست و پا ده کم شلی سست و مستی همیشه واجارم (؟)

(همان: ۲۹۹)

این بیت دارای پی‌نوشت شماره ۷ و ۸ است؛ درحالی‌که درصفحهٔ ۲۹۹ تمام ارجاعات تا شماره ١٦ جابجا ثبت شده و در نتیجه ارجاع شماره ۷ و ۸ هم به درستی ضبط نشده است.

تخلصی بشنو ای یگانهٔ آفاق ز عنصری که بود اوستاد فن سخن

«به تیغ کُه بر، از آن ابر گسترد کرباس که تا به پیش تو آرد زمانه تیغ و کفن»

به گفتهٔ مصحّحان دیوان، در دو بیت بالا، بیت نخست از اثیر و بیت دوم از عنصری است که اثیرالدّین آن را در شعر خود تضمین کرده است (همان: ٤٨)؛ اما مصحّحان محترم هیچ منبعی را برای شعر اثیر و عنصری ذکر نکرده‌اند.

۲-۲. لغزش های تصحیح متن

۲-۲-۱. ترجیح ضبط‌های نادرست از نسخه‌بدل‌ها

مصحّحان محترم در بخشی از مقدّمهٔ کتاب بیتی از عنصری را آورده‌اند و در ادامه اثیرالدّین را تأثیرپذیر از آن بیت دانسته‌اند؛ این درحالی است که در ضبط بیت عنصری خطا رخ داده است:

ایا شنیده هنرهای خسروان به **هنر** بیا ز خسرو مشرق عیان ببین تو هنر

(اومانی، ۱۳۹۰: ۹۳)

با بررسی بیت فوق از قصیده ٣٤ عنصری(عنصری، ١٣٦٣: ١٢٥)ضبط درست از مصراع اول چنین است؛ *ایا شنیده هنرهای خسروان به* ***خبر***... .

به یک دو هفته جهان پُرکند ز لؤلؤ تر چنین که ابر مجاهز نشست در دریا

www.SID.ir

Archive of SID

(اومانی، ۱۳۹۰: ۱٤۱)

شاعر در بیت فوق به ابرهای بارانزا اشاره می‌کند. در مصراع دوم مصحّحین ضبط «در» را برگزیده‌اند که با توجه به محور همنشینی واژگان درمصراع مربوط و سابقه کاربرد معنایی «نشستن بر دریا» در زبان و ادبیّات فارسی، انتخاب «در» بی‌معنا می‌نماید؛ چراکه ابر «بر» چیزی می‌نشیند نه «در» چیزی؛ باوجوداین در نسخهٔ «خ» و «ب» هم به (بر) اشاره شده است؛ بنابراین کاربرد «ابر مجاهز بر دریا نشست» درست‌تر می‌نماید. مولانا در تصویر مشابه، می‌گوید: *ابر من دی بر لب دریا نشست(مولانا، ۱۳۶۳،ج۱۷۷:۶)*

گل دوروی چنان زرد وسرخ با هم هست که بر نهاده به هم روی وامق و عذرا
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱٤۲)

گل دو روی، گلی است که یک روی آن زرد و روی دیگر آن سرخ است و آن را گل رعنا و زیبا نیز می‌خوانند(دهخدا، ذیل گل دورو). شاعر از گل دو روی به‌عنوان مشبّه در مصراع اوّل استفاده می‌کند.اما مصحّح در پایان مصراع اول ضبط «سرخ با هم هست» را می‌گزیند. این انتخاب مصحّح سکتهٔ وزنی ایجاد می‌کند و در معنا نیز ابهام؛ زیرا روی وامق و عذرا به عنوان شیفتگان مشهور ادبی در مصراع دوم همین بیت «روی بر هم نهاده»تصویر شده‌اند؛ پس ضبط «سرخ با هم هست» اشتباه می‌نماید و مناسب است که مصحّحین نسخه بدل «م»یعنی «سرخ در بر هم» را برگزینند؛ یعنی

گل دو روی چنان زرد وسرخ در بر هم که بر نهاده به هم روی وامق و عذرا
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱٤۲)

چنانکه انوری در مورد رو بر روی بودن گل دو رو را چنین می‌گوید:

چو لاله شوم سوخته دل گر بنهم مانند گل دو رویه رو بر رویت
(انوری، ۱۳٦٤، ج۲: ۹٦۷)

به دست باد، جهان در دهان خاک افکند هر آن نواله که پیچید گل ز باد **هوا**
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱٤۳)

نواله لقمهٔ خوراکی برای گذاشتن در دهان است.

www.SID.ir

Archive of SID

از دســت تــو خــوش نایــدم نوالــه زیرا که نواله است پراستخوان«ناصر خسرو»
(دهخدا: ذیل نواله)

بنابراین کاربرد «باد هوا» درست به نظر نمی‌رسد. در محور همنشـینی واژگـان و در سنّت ادبی شاعران، همنشـینی «بـاد» و «صـبا» و «گـل» درسـت‌تر و زیبـاتر می‌نمایـد و همچنین نسخهٔ «ب» و «خ» صورت «صبا» را ضبط کرده‌اند؛ بـر اسـاس مـوارد یادشـده، ضبط اخیر درست‌تر به نظر می‌رسد؛ یعنی «*هر آن نواله که پیچید گل ز باد **صبا**»*.

شه ستوده‌سیر خسرو سلیمان‌فر که هست هر چه بباید ورا مگر همتا
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱٤۳)

مصحّحین ضبطِ «که هست هر چه بباید» را برگزیده‌اند حال‌آنکه نسـخهٔ «ل» ضـبط «که هفت چرخ نیابد» را ترجیح داده است و معنای مناسـب‌تری دارد؛«کـه هفـت چـرخ نیاید ورا مگر همتا». در برداشتی دیگر نسخه «خ» صورت مصـراع دوم را «کـه هـر چـه خواست بیابد ز حق مگر همتا» ضبط کرده است؛ ضبط اخیرمعنای زیباتری دارد؛ زیرا با توجه به تاثیری که اثیر از انوری دارد این مضمون در بیتی از انوری چنین آمده است؛

ای یافته هر چه جُسته از گیتی جز مثـل کـه ایـن یکـی نمی‌یـابی
(انوری، ۱۳٦٤، ج ۱: ٤٥۲)

زهی محیط دلت داده ابر را ادرار فزوده ابـر کَفَـت رود نیـل را اجـرا
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱٤٤)

در بیت فوق، «محیط» به معنای«اقیـانوس و دریـای بـزرگ» اسـت(دهخـدا، ذیـل محیط) که به عنوان حقوق و مقـرّری آب بـه دریـا می‌دهـد؛ بنـابراین کـاربرد «ابـر» در مصراع اوّل نادرست است. بهتر بود از صورت «بحـر» کـه در نسـخهٔ «ل» آمـده اسـت، استفاده می‌شد؛ زیرا این بیت بخشندگی ممدوح را می‌ستاید و اقیانوس به‌عنوان پـاداش، آب را به دریا (بحر) می‌بخشد.

منـت ایـزد را کـه چون تابان مهی بازآمدی گرچه بودی رفته دور از دیده ها همچون سـها
دست اول با هزار ابکار چین پیشت نهاد چون قبـای ملـک می‌انـداخت بـر قـدّت قضـا
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱٤۹)

www.SID.ir

Archive of SID

در نسخه‌های «م»، «ت» و «ل» به جای «دست اوّل با هزار ابکار»، «دست اوّل شاید ار پیکار» ثبت شده است و اولویّت دارد؛ البته به نظر می‌رسد «شاید ار پیکار» صحیح‌تر باشد؛ «دست اوّل شاید از پیکار چین پیشت نهاد».

بر خیال کژ، مه نو منحنی شد تا مگر　　بهر زین مرکب خاص تو سازندش حنا
تا به شکل نعل اسبت زان برآمد ماه نو　　تا بدان صنعت سم اسب تو بوسد دائما
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۵۲)

بر اساس ترجیح مصحّحین در ابتدای مصراع اوّل بیت فوق حرف «تا» آمده است واشتباه است. در نسخه «ت» هم حرف«یا» به جای «تا» به کار رفته است و کاملاً صحیح است و معنای مناسبی با بیت دارد؛

بر خیال کژ مه نو منحنی شد تا مگر　　بهر زین مرکب خاص تو سازندش حنا
یا به شکل نعل اسبت زان برآمد ماه نو　　تا بدان صنعت سم اسب تو بوسد دایما

همچو اشک من جهان بر سر گرفتی آب ابر　　گر نه از بحر کف راد توآش بودی حیا
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۵۳)

در ارتباط با بیت فوق، در نسخه بدل «ل» و «خ» به جای «ابر» واژۀ «ریز» آمده است؛ «همچو اشک من جهان بر سر گرفتی آبریز». در این صورت، بیت معنای مناسب‌تری می‌یابد. در مصراع دوم مصحح از «حیا» در معنای ایهامی استفاده کرده است در حالی‌که ایهامی ندارد و صورت منتخب مصحّحین اشتباه است. بهتر بود از ضبط نسخۀ «م» استفاده می‌شد؛ «گر نه از بحر کف راد توآش بودی عطا». به هر روی، صورت موجود مناسب‌تر از صورت نسخه چاپ مجلس است.

عجب مدار که گوی زمین بی سر و پا　　چو جرم چرخ بجنبد به مقتضای قضا
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۵٤)

مقتضا به معنای «تقاضا کرده‌شده، طلب‌شده، درخواست‌شده» است (دهخدا، ذیل مقتضا). در نسخه بدل «م» به‌جای مقتضا واژۀ «اقتضا» ضبط شده است. اقتضا به معنای وام بازخواستن و تقاضا کردن است (دهخدا، ذیل اقتضا) که با توجه به معنای مصراع

www.SID.ir

Archive of SID

دوم و بافت معنایی بیت صورت مناسب‌تری است تا واژهٔ مقتضا؛ «چو جرم چرخ بجنبد به اقتضای قضا».

بلی هر آن‌چه من و تو به عقل دریابیم گهی بود که صواب افتد و بود که خطا
(اومانی، ۱۳۹۰: ١٥٤)

در بیت بالا، مفهوم مصراع دوم بیت، ابهام و تعقید معنوی دارد، درحالی که نسخه‌بدل «م» مصراع: «گهی بود به صواب و گهی بود به خطا» را ضبط کرده است که بافت روان و معناداری دارد و آن تعقید و ابهام پیش‌گفته را می‌زداید.

بلی هر آنچه من وتو به عقل دریابیم گهی بود که صواب افتد و بود که خطا

که پُر بود که پی حل مشکلات علوم کند مشابهت عقل، وهم هرزه‌درا
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۵۵)

مفهوم مصراع اوّل با واژهٔ «پُر» نامشخص و مبهم است. مصراع یادشده، مفهوم انزجار را بیان می‌کند و کراهت از مقایسه و تناسب دو موضوع را مطرح می‌کند. نسخه‌بدل «خ» به جای واژهٔ «پر»، «بد» را ترجیح داده است که کاملاً درست به نظر می‌رسد؛ «که بد بود که پی حل مشکلات علوم».

که شب ز سیر ستاره خیال می‌کردم که چرخ را مگر از هم همی شود اجزا
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۵۵)

نسخهٔ «م» به «از هم جدا شود» اشاره کرده درحالی‌که نگارنده براین نظر است که با این خوانش اخیر هم معنا و هم روانی کلام حفظ می‌شود و اسلوب وزن شعر هم نابسامان نمی‌گردد. «هم جدا شود» صحیح است؛ «که چرخ را مگر از هم جدا شود اجزا».

کزین سپس دل عشّاق نیز ننشیند ز بیم در شکن زلف و طرّه و رعنا
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۵۷)

در نسخهٔ «ج»، «طره» در مصراع دوم به کار نرفته است و در عوض، واژهٔ «شاهد» را ضبط کرده است. به نظر می‌رسد ضبط نسخه «ج» مناسب‌تر است و در نتیجه با

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر«زلف شاهد رعنا» جنبهٔ موسیقایی و تصویری و معنایی بیت، دل‌انگیزتر می‌گردد: «ز بیم در شکن زلفِ شاهدِ رعنا».

موسم خرمن گل اهل خرد غم نخورند از پی حاصل عمری که چو گل بر گذر است
(همان: ۱۷۲)

در مصراع دوم این بیت ترکیب «بر گذر است» درست نمی‌نماید. نسخه «م» به جای «بر»، ضبط «در» را صحیح می‌داند که دقیق‌تر به نظر می‌رسد؛ «از پی حاصل عمری که چو گل در گذر است».

از نامده و رفته چه پرسی که یقین است نز آمده سود است و نه از رفته زیان است؟
(همان: ۱۸۸)

نسخه‌بدل‌های «م» و«ج» به جای واژهٔ «نیامده» ازکلمهٔ «آمده» استفاده کرده‌اند که البته با توجه به مصراع دوم، ضبط «آمده» درست‌تر است؛ « از آمده و رفته چه پرسی که یقین است».

دلیل دولت تو گرچه زآن پدیدتر است که او نشان سعادت همین قدر دارد

ولی مدیح اثیر از پی مآثر خیر به کار و بار بزرگان بسی اثر دارد
(همان: ۱۹۹)

نسخه‌بدل «م» به جای «ولی» از واژهٔ «بلی» استفاده کرده است، که درست‌تر است و با این انتخاب، ایهام تضاد نیکویی ساخته است؛*«بلی مدیح اثیر از پی مآثر خیر»*.

شهی بدین همه آداب خسروی موصوف که رأی پیر ورا دولت جوان باشد
(همان: ۲۰۹)

نسخه‌بدل‌های «ب» و«م» مصراع دوم بیت بالا را این گونه ضبط کرده‌اند که صحیح‌تر است و از لحاظ تصویری نیز زیباتر می‌نماید؛ «که رأی او بدن ملک را روان باشد».

دوم نتیجه خورشید و هم نه آن خورشید کز آشیانه مرّیخش آشیان باشد

www.SID.ir

Archive of SID

ولی بلندمکانی که اوج مرتبتش هزار منزل از آن سوی لامکان باشد
(همان:۲۱۰)

نسخه‌بدل‌های «ب»، «م» به جای کاربرد «ولی» به «بلی» اشاره کرده‌اند که مناسب‌تر می‌نماید. با این ضبط اخیر، بیت دارای تاکیدی می‌گردد که صورت بلاغی آن را موکّدتر می‌سازد؛ «*بلی بلند مکانی که اوج مرتبتش*»

تا درد قدم بچیندت درد روزی دو برِ تو گشت پابست
(همان: ۳۹۲)

مصحّحان در پاورقی برای واژهٔ «درد» در بیت بالا به نسخه‌بدل «ب» استناد کرده‌اند؛ درحالی‌که نسخه بدلِ پاورقی و نسخهٔ اساس هر دو یک نظر را دارند و نیازی به ذکر نسخه‌بدل نبوده است.

۲-۳. خطاهای املایی، چاپی و ویرایشی

دقّت و تیزبینی در تصحیح متون، باید هر گونه سهو و خطایی را در زمینه املا و چاپ و ویرایش اجزای زبانی متن، از نظر دور ندارد. چنین دقّت‌هایی باعث می‌شود که علاوه بر رعایت امانت، متن تصحیح‌شده روان و گویاتر بر ذهن و زبان مخاطب و اهل پژوهش بنشیند. متنی که این پژوهش به بررسی و واکاوی آن می‌پردازد، در موارد بسیاری با خطاهای ویرایشی و کم‌دقّتی روبه‌رو است. بایسته است که رفع چنین سهوهایی در انتشار بعدی متن در کانون توجه مصحّحان قرار بگیرد.

به خون دل چو هر آن برگ کو فراهم کرد بخیره، باد ستم‌پیشه می‌کند یغما
(همان: ۱٤۳)

ویرگول نشانه مکث است و در این بیت بهتر بود علامت ویرگول بین «خیره، باد» قرار می‌گرفت تا فعل «باد» به اشتباه دعایی خوانده نشود.

چو موم اگر نه پذیرای مُهر امر توآَند ز دست دهر بیابند مالشی به سزا
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱٤٦)

www.SID.ir

Archive of SID

صورت نوشتاری واژهٔ «به سزا» که در بیت بالا آمده است، دقیقاً بیانگر صفت نیست درحالی‌که پس از کلمهٔ «مالش» به صفتی نیاز است؛ بنابراین برای فهم پایان مصراع «بسزا» صحیح است.

کشورش کشتی امن است و کفش حودی بذل خاصه این دور که بگرفته جهان طوفان است
(همان: ۱۸۵)

کاربرد واژهٔ «حودی» در بیت معنا ندارد و همان‌گونه که در تعلیقات متن تصحیح‌شده توضیح داده شده است، واژهٔ «جودی» درست است: «کشور کشتی امن است و کفش جودی بذل».

از آن‌که همره آوازهٔ مناقب توست مدام پیکر مه رخ سوی سفر دارد
(همان: ۱۹٦)

در پاورقی صفحهٔ۱۹٦کلمهٔ«دارد» در مصراع دوم را به عنوان نسخه‌بدل آورده‌اند؛ حال‌آن‌که قصد مصحّحان محترم واژهٔ «سفر» بوده است؛ بنابراین به اشتباه به کلمهٔ «دارد» ارجاع داده‌اند که کاملاً اشتباه است.

در آن مقام که مستودع نیام، حسام درون مرکر ارواح مستقر دارد
(همان: ۱۹۷)

ضبط کلمهٔ «مرکر» غلط به نظر می‌رسد و صورت «مرکز» درست‌تر است: «درون مرکز ارواح مستقر دارد».

کس جز دل عدوت نداند که اندر او رمحت چه پیش برد و سنانت چه کار کرد
(همان: ۲۰۰)

برای واژهٔ «جز» ارجاع شماره (۳) و برای واژهٔ «رمحت» نیز همان شماره ارجاع ثبت شده است درحالی‌که در پاورقی به ترتیب شماره‌های ارجاع ۳ و ٤ ثبت شده و برای هریک توضیحاتی نیز نوشته شده است.

درنگ‌خواه بود جان هر سخن که بدان بقای مادح و ممدوح جاودان باشد
(همان: ۲۱۳)

www.SID.ir

Archive of SID

در صفحهٔ ۲۱۳در پایان مصراع اوّل بیت بالا به پاورقی‌ای ارجاع داده شده و در آن توضیح داده می‌شود که نسخه «ل» این بیت را ندارد؛ درحالی‌که محلّ ارجاع پی‌نوشت در پایان مصراع اشتباه است و باید در پایان بیت، ارجاع داده شود.

از ناف شب چو روی هوا مشکبار شد گیتی مسخّر شب مشکین‌شعار شد
(همان: ٢١٤)

در صفحهٔ۲۱٤ و برای توضیحی برای بیت فوق، مصحّحان بر روی واژهٔ «شعار» شمارهٔ(٥) قرار داده‌اند؛ اما در پاورقی، توضیحات نسخه‌بدل‌های مربوط را با شمارهٔ (٦) ثبت کرده‌اند. در پاورقی صفحه ۲۱۸ نیز توضیحات شماره‌های(۷) و (۸) جابه‌جا نوشته شده است.در صفحهٔ ۲۳۰ نیز در دو بیت چهارم و هشتم ارجاع شماره (٥) ثبت شده و نادرست است. همچنین، در پاورقی همین صفحه یک ارجاع کمتر ثبت شده است که بدین ترتیب از شماره (٤) به بعد، شماره همهٔ ارجاع‌ها جابه‌جا و نادرست است.

عمل نکرده و معزول گشته‌ام گویی که این قضیّه چه خوانند بخردان بصیر
(همان: ٢٤٧)

نهیب حملهٔ سرما و تیر صاعقه را کنون به جز سپر پوستین که دارد تاب
(همان: ۳۸۸)

بهر تشریف معلَم گوییا چون آستین بوسه کی بر دست شاه کامران خواهم نهاد
(همان: ٤١٣)

برای خوانش درست و فهم آسان‌تر ابیات سه‌گانه بالا لازم است که در پایان چنین ابیاتی حتماً علامت سؤال قرار گیرد؛ امّا در دیوان تصحیح‌شده از این نکته غفلت شده است و بیت دارای علامت سؤالی نیست؛ « *... که این قضیه چه خوانند بخردان بصیر*؟» و هکذا.

شدم به قول خرد، عزلت و قناعت را بجان خریدم اگرچند رایگان دیدم
(همان: ۲۹۰)

به نظر می‌رسد برای حفظ رسم‌الخطّ فارسی و استقلال واژگانی، ترکیب «بجان» باید جدا و به صورت « به جان» نوشته شود.

www.SID.ir

Archive of SID

متـاع فضـل بـه بـازار روزگـار امـروز بغایت است کساد ارچه نیک شـد نایـاب
(همان: ۳۸۸)

ترجیح پیش‌گفته در بیت پیشین برای واژهٔ «بغایت» در بیت بالا نیز صـادق اسـت و بهتر است به صورت «به غایت» نوشته شود.

ز شرم نور ضمیر مبارکت هر شام فلک به گِل رخ خورشید را بیآنـدوده
(همان: ۳۳۷)

بر اساس قواعد زبانی «(بـ ، نـ ، مـ) هرگاه بر سـر فعلـی درآینـد کـه بـا «آ» آغـاز می‌شـود، علامـت مـد از الـف حـذف و بـه «ی» بـدل می‌شـود(جز بایسـتاد): بیفـزود» (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ٦۳)؛ بنابراین در بیت بالـا، رسـم‌الخط «بینـدوده» درسـت اسـت نـه «بیآندوده».

در پاورقی صفحه ٤١٤ [۱۲] و ٤١٥ [۱۳] دیوان چاپی و در ارجاع شماره یک، مصحّحان توضیح می‌دهند که عنوان شعر این صفحه از نسخهٔ «ت» انتخـاب شـده اسـت و حتـی عنوان را نیز در پاورقی آورده‌اند؛ امّا در ابتدای شعر (همچون دیگر اشعار) هیچ عنـوانی نوشته نشده است؛حال‌آنکه که عنوان صدر تمام اشعار از نسـخهٔ «ت» انتخـاب و ضـبط شده است.

نتیجه

بنا برآن‌چه بیان شد در دیوان اثیراومانی که امیـد سـروری و عبـاس بگ‌جـانی در سـال ۱۳۹۰توسط کتابخانه، مـوزه و مرکـز اسـناد مجلـس شـورای اسـلامی منتشـر کرده‌انـد، اشکالات وسهوهایی رخ داده است. بـا برّرسـی و تحلیـل مـتن تصحیح‌شـده بـر مبنـای رویکرد التقاطی، اشکالات و لغزش‌هایی در این تصـحیح دیـده شـده اسـت کـه بـدین قرارند؛ عنوان ناقص دیـوان چـاپی، ترجیحـات نادرسـت در نسـخه‌بـدل‌هـا، اشـکالات نگارشی و امـلایی، ارجاعات نادرست و ناقص، لغزش‌های علمی، اشکالات رسم‌الخطّی، لغزش در نگارش ارجاعات درون و برون‌متنی و فهرست منـابع. بـا توجـه بـه ارزش و اهمّیت تصحیح نسخه‌های خطی و ضرورت ارائه نسخه‌ای کاملاً صحیح، ضروری است

www.SID.ir

Archive of SID

برای حفظ اصالت و انتقال گنجینه‌ها و میراث‌های ادبی گذشتگان، نسخه‌ها با دقت بیشتری تصحیح و مقابله شوند و برخی چون نسخه مذکور مجدد تصحیح گردد.

یادداشت‌ها

۱. برای آشنایی بیشتر با زندگی نامه اثیرالدین اومانی به مجله تاریخ ادبیات شماره ۷۳/۳ صص ۹۹تا ۱۲۲ مراجعه کنید

۲. مطلع غزل:

پشتم ز گوی چرخ چو چوگان خمیده شد　　وز نشتر فراق روانم خلیده شد
(اثیراومانی، ۱۰۲۰: ۱۱۰)

مطلع رباعی:

چون غنچه لبش باز نخندید تمام　　در خاک شد آن زمانه نادیده تمام (اثیر اومانی، ۱۰۲۰: ۱۸٤)

۳. در دیوان اثیرالدین هیچ اشاره ای مبنی بر ارتباط این دو با هم وجود ندارد اما ذبیح الله صفا به نقل از دولتشاه می‌گوید که اثیرالدین اومانی اوصاف سخنوری او را بسیار به نظم درآورد (صفا، ۱۳۸۷، ج ۳: ٤۰۱)

٤.جهان جان معانی خدیو کشور فضل　　که فخر جان و جهان شد تو را ثنا کردن
کمال ملت و دین ای که بر خرد فرض است　　به سنت سخن خوبت اقتدا کردن
(کمال الدین اسماعیل،۱۳٤۸: ۳۹۸)

اثیر دین را رسمی است بر زبان قلم　　پیام روح قدُس دم به دم ادا کردن
به نوک کلک گهر را جگر همی سفتن　　به گام صیت، مجارات با صبا کردن
(همان: ۳۹۱)

۵. جهان جان کمال الدین سماعیل　　شنیدم دی که ناگاهان فرو شد
دریغ آن شمع روشن دل که ناگاه　　به باد درد بی درمان فرو شد (اومانی، ۱۰۲۰: ۱۳۲)

٦.فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی،ج ۲٦، ص ۳٦۲

۷. فهرست میکروفیلم‌های کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران،ج ۱، ص ٦۰۷

۸ . فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، ج ۸ ص ٤۸۹

۹. فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ایران، ج ۲، ص ۲٤۰۱

۱۰. مجاورانش سحرخیز و شب‌شکن زانند　　که صبح سان همه را رو به سوی کفّ عطاست

www.SID.ir

Archive of SID

(اثیرالدین اومانی، ۱۳۹۰: ۱۷۷)

۱۱. علی تفرشی آن دشمن بوبکر وعمر که دل دوستی شرع محمد گم کرد

(اثیرالدین اومانی، ۱۳۹۰: ٤١٤)

۱۲. و له بهجاء کمال الدین علی مستوفی

۱۳. و له یمدح الخواجه نظام الدین

منابع:

الف) کتاب ها

۱. اصفهانی،کمال الدّین اسماعیل (۱۳٤۸)، دیوان شعرکمال الدّین اسماعیل اصفهانی، تصحیح حسین بحرالعلومی، تهران، دهخدا.

۲. اومانی، اثیر (۱۳۹۰)، دیوان اثیر اومانی، تصحیح امید سروری و عباس بگ جانی، تهران، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۳. اومانی، اثیرالدّین، دیوان اشعار، نسخهٔ خطی شمارهٔ ١٦٧٨٦، کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی.

٤. ----------، نسخهٔ خطی شمارهٔ ۱۵۰۱،کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران.

۵. ----------، دیوان اشعار، نسخهٔ خطی شمارهٔ ۱۸۸۳، کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران.

٦. ----------، دیوان اشعار، نسخهٔ خطی شمارهٔ ۷۸۸٦، کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی.

۷. ----------، دیوان اشعار، نسخهٔ خطی شمارهٔ ۲٤۰۱، کتابخانهٔ ملی ایران.

۸. ----------، دیوان اشعار، نسخهٔ خطی شمارهٔ ۲۳۷۳، کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی.

www.SID.ir

Archive of SID

۹. جاجرمی، محمّدبن بدر (۱۳۵۰)، مونس الاحرار فی دقایق الاشعار، تصحیح میرصالح طبیبی، تهران، انجمن آثار ملّی.

۱۰. دولتشاه سمرقندی، ابن علاء الدّوله (۱۳۸۲)، تذکره الشّعرا، تصحیح ادوارد براون، تهران، اساطیر.

۱۱. کاشانی، تقی الدّین(۱۳۸٤)، خلاصة الاشعار و زبدة الافکار، تصحیح نفیسه ایرانی، تهران، میراث مکتوب.

۱۲. گلچین معانی، احمد(۱۳۹۳)، تاریخ تذکره های فارسی، تاریخ تذکره های فارسی، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی.

۱۳. دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۲)، لغت نامه، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

۱٤. ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲)، راهنمای ویراستاری و درستنویسی، چاپ سوم، تهران، علم.

۱۵. صفا، ذبیح الله (۱۳۷۸)، تاریخ ادبیات در ایران،۸ جلد، تهران، فردوس.

۱٦. مدرس رضوی، محمدتقی(۱۳٦٤)، دیوان انوری، چاپ دوم، تهران، علمی فرهنگی.

ب) مقالات:

۱۷. پاشایی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «زندگینامه اثیرالدّین اومانی»، پژوهشنامه علوم انسانی تاریخ ادبیات،دوره ۷۳، شماره ۳ ، صص۹۹ -۱۲۲

۱۸. ---------- (۱۳۹۲)، « بررسی ویژگی‌های سبک اثیرالدّین اومانی»، سبک شناسی نظم و نثر فارسی، دوره٦، شماره۱(پیوسته ۱۹)، صص۵۹-۷۳

۱۹. یلمه ها، احمدرضا (۱۳۹۱)، «گمنامی بنام در تاریخ ادب فارسی»، آیینه میراث، شماره ۵۰،صص ۲٦۵-۲۸۳.

www.SID.ir